



کتاب مجموعه مقالات

هفتمین کنفرانس بین المللی روانشناسی خانواده

The 7th Annual conference on Family Psychology

پدیدآورندگان :
جعفر حیدری
۱۳۹۶

پیدآورندگان:
جعفر حیدری



انتشارات رسول اکرم (ص)

کتاب مجموعه مقالات

The 7th Annual conference on Family Psychology



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**کتاب مجموعه مقالات
هفتمین کنفرانس بین المللی
روانشناسی خانواده**

کتاب مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس بین المللی

روانشناسی خانواده

ناشر: رسول اکرم (ص)

شابک: 978-600-97941-6-4

معرفی کنگره

خداوند سبحان را سپاسگزاریم چرا که توفیق داد تا میزبان شما پژوهشگران باشیم، شما عزیزانی که با تلاش شبانه روزی و دستیابی به آخرین یافته های علمی روز می کوشید تا قدم در راه خودکفایی این مرز و بوم بردارید. با برگزاری **هفتمین کنفرانس بین المللی روانشناسی خانواده**، در مرکز همایش های بین المللی دانشگاه شهید بهشتی تهران فرصتی است تا شاهد دستاوردهای پژوهشی، نگاه کارشناسی شما عزیزان صاحب نظر در خصوص مسائل مربوطه باشیم، امید است این رویداد علمی امکان تبادل آخرین دستاوردهای مرتبط با محورهای همایش را فراهم ساخته و با بهره گیری از نتایج آن، برنامه ریزی لازم و کافی در جهت بهبود سبک زندگی اسلامی و تربیت صحیح فرزندان عزیزمان ایجاد نماید.

کمیته علمی و داوران کنگره:

نام و نام خانوادگی	سمت
جناب آقای دکتر علی افشاری	(دانشگاه مراغه)
جناب آقای جعفر بهادری خسروشاهی	(مدرس دانشگاه پیام نور مرکز تبریز و دانشجوی دکتری سراسری دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)
جناب آقای علی رضا همایونی	(دانشگاه آزاد اسلامی)
جناب آقای رئیس حسن رئیس سعدی	(دانشگاه آزاد و دانشگاه پیام نور)
جناب آقای محمدرضا زربخش بحری	(دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن)
جناب آقای محمد حسین ابتکاری	(دانشگاه یاسوج)
جناب آقای فریدون رضانی	(دانشگاه پیام نور)
جناب آقای اسدالله ویسی	(پیام نور)

فهرست

- ۸ رابطه بین اعتیاد به کار، تعارض کار-خانواده بارزایت زناشویی در کارکنان نیروی انتظامی شهر کرمان
- مقایسه راهبردهای مقابله ای، کیفیت زندگی کاری و فرسودگی شغلی در بین بیماران دیابتی نوع ۲و۱ با افراد غیر دیابتی
- ۱۸ شهر کرمان
- ۲۹ پیش بینی سازگاری دانشجویانبراساس سبک های دلبستگی دردانشگاه آزاد اسلامی واحد بویین زهرا
- تحلیلی بر روند آمار بزرگسالان ازدواج نکرده طی سه سرشماری اخیر تحلیلی بر روند آمار بزرگسالان ازدواج نکرده طی سه
- سرشماری اخیر ۴۱
- ۵۴ اثربخشی روان درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی بر استقلال و ارتباط مثبت با دیگران مادران کودکان اوتیسم
- ۶۳ اثر بخشی روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر رشد شخصی و پذیرش مادران کودکان مبتلا به اوتیسم
- ۷۶ بررسی رابطه بین جهت گیری زندگی ، پذیرش خویشتن و میزان وابستگی بین فردی زنان مطلقه
- ۸۲ اعتیاد ونقش آن در افزایش ضریب آسیب پذیری خانواده
- ۸۹ میزان اثربخشی مشاوره با رویکرد روان شناسی مثبت نگر بر امیدواری سالمندان شهرستان اصفهان
- ۹۹ اختلالات جنسی در زنان متأهل و رابطه آن با متغیر های رضایت زناشویی و خیانت زناشویی در شهر کرمانشاه
- ۱۱۰ تأثیر فرهنگ بر یادگیری و سبک های آن
- ۱۱۵ رابطه گفتار خصوصی و خلاقیت در کودکان پیش دبستانی
- بررسی اثربخشی درمان ترکیبی تحلیل رفتار کاربردی و آموزش جز به جز بر روی نقش کیفی تعامل اجتماعی و رفتار
- کلیشه ای کودکان مبتلا به اختلال اوتیسم شهرستان ساری ۱۲۳

تأثیر فرهنگ بر یادگیری و سبک های آن

علی اصغر یزدان بخش

مدیرفرهنگی موسسه آموزش عالی بینالود مشهد، ایران
استاد مدعو دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

چکیده

در رابطه با واژه «فرهنگ» تعاریف گوناگونی صورت گرفته که اجمالاً می توان آن را مجموعه ای از دانشها، باورها، هنر، قوانین، اخلاق، آداب و رسوم و سایر قابلیتها و عاداتی دانست که انسان به عنوان عضو جامعه آنها را فرا می گیرد، بنابراین می توان گفت بی تردید فرهنگ در همه امور و جنبه های زندگی نقش داشته و آن را کاملاً تحت تأثیر قرار میدهد، این مقاله با روش مطالعه، توصیفی تحلیلی شکل گرفته و با تحقیقات کتابخانه ای، نقش و تأثیر فرهنگ را در سبکهای یادگیری استخراج و تبیین و مستدل نموده است. با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله، می توان اذعان کرد، بی تردید اعتقاد، باورها، علایق و انگیزه های معلمین و فراگیران در فرایند آموزش و یادگیری تأثیری شگرف دارند و می توانند فعالیتهای آموزشی کلاس را تحت تأثیر قرار دهند؛ و این موارد چیزی جز فرهنگ نیستند. با اثبات تأثیر فرهنگ بر آموزش دیدگاهی شایسته تر و دقیق تر به اهمیت تفاوتهای فردی در یادگیری و آموزش پیدانموده و بدینسان می توان شاهد رویش سبک های متفاوت و نوینی در تدریس و یادگیری بود.

کلمات کلیدی: فرهنگ، یادگیری، تدریس، سبک های یادگیری، برنامه درسی.

۱. مقدمه

موفقیت یک کشور در زمینه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی در گرو برخورداری از یک نظام آموزشی منسجم و پویا است. در حوزه ی آموزش و پرورش با توجه به سطح انتظارات مردم و از طرفی تغییرات سریع به وجود آمده در عرصه های گوناگون جامعه، ضرورت بازنگری در فرایند آموزش و پرورش با توجه بیشتر به اسناد بالا دستی منبعت از مبانی نظری و در یک کلام؛ فرهنگ را دو چندان می سازد.

توجه به شرایط و روحیات و نیازهای فراگیران و شناخت سبک های مورد علاقه آنان می تواند موجب افزایش کیفیت یادگیری گردد. سبک های یادگیری در واقع تلفیقی از روشهای شناختی، عاطفی و فیزیولوژیک است که افراد بوسیله آنها به بازیابی، سازماندهی، پردازش و یادآوری اطلاعات می پردازند. «عدم هماهنگی میان سبک تدریس استاد و روش یادگیری دانشجو به عنوان یکی از موانع یادگیری در کلاس درس مورد توجه می باشد و دلیلی برای استفاده از شیوه های آموزشی متنوع برای ارائه مطالب محسوب می گردد. مفهوم استفاده از روش های تدریس مختلف بر مبنای این اصل قرار دارد که حداقل بخشی از مطالب می بایست به شیوه ای متناسب با سبک یادگیری هر یک از فراگیران موجود در یک کلاس یا دوره آموزشی ارائه شود. (Dobson 2009)

گروهی از روان شناسان، یادگیری را نه فقط پردازش اطلاعات در ذهن، بلکه نوعی «فرهنگ پذیری» می دانند و معتقدند هنگامی که فرد شروع به یادگیری در یک محیط خاص می کند، در حقیقت رفتارها و نظام اعتقادی اعضاء فرهنگی که با آنها تعامل مینماید را اخذ می کند. بنابراین آموخته های وی را خارج از محیطی که در آن دانش را کسب نموده است، نمیتوان فهم و تفسیر نمود. آنها از همین منظر به انتقاد از مدارس فعلی پرداخته و معتقدند آنچه که در مدارس به دانش آموزان عرضه می شود، نوعی دانش بافت زدایی شده و ناقص می باشد، در حالیکه دانش همچون ماده ای نیست که بتوان آن را در نقطه ای تولید کرد، سپس بسته بندی نمود و آن را برای ارائه به نقطه ای دیگر انتقال داد. بلکه از تعامل بین فرد و فرهنگ است که دانش شکل گرفته و معنا می یابد. بدین ترتیب جایگاه دانش را نمی توان تنها ذهن اشخاص دانست، بلکه برای ردیابی آن باید به محیط، فرهنگ و حتی ابزار و مصنوعات فرهنگی نیز مراجعه کرد.

روشهای تدریس و یادگیری که برای محصلان دارای فرهنگ خاص مؤثر است ممکن است برای متعلمان و محصلان دارای فرهنگ دیگر مفید نباشد. این امر ایجاب میکند تا معلمان با روشهای متعددی آشنا شوند و برای گروه های متفاوت روشهای

تدریس و یادگیری مناسبی را به کار گیرند و این زمانی اهمیت بیشتری می یابد که بافت فرهنگی و قومیتی گستردگی بیشتری داشته باشند که بخصوص در جامعه ایرانی صدق میکند.

هر جامعه ای دارای فرهنگ خاصی است که آن را از دیگر فرهنگ ها متمایز می سازد، زیرا فرهنگ های مختلف، هر یک، الگوهای رفتاری، ارزشها و قوانین خاص خود را دارند. بسیار دیده میشود که فرهنگهای گوناگون برای یک مقوله ی مشترک، قوانین و ارزشهای مختلفی را تعریف کرده اند. همچنین مردم فرهنگهای مختلف، معانی متفاوتی را از یک رخداد مشابه استنباط می کنند. بنابراین یک رفتار ممکن است به دلیل نحوه ی عمل در جوامع گوناگون معانی مختلفی داشته باشد و بحث از تفاوتهای فرهنگی را به میان آورد (محسنی، ۱۳۸۸: ۲۰۹).

وجود تفاوت های فرهنگی به عنوان یک واقعیت مهم در اغلب جوامع و الزامات و ضرورت های پیش رو در مواجهه با این مقوله، برنامه ریزان و کارگزاران تعلیم و تربیت را بر آن داشت تا بیش از پیش به این مسئله توجه نمایند، زیرا آموزش، یادگیری و پرورش در هر جامعه ای با فرهنگ ارتباطی تنگاتنگ و متقابل دارند. بدین معنی که از یکسو فرهنگ را محصول آموزش قلمداد نموده اند و از سوی دیگر فرایند آموزش را متأثر از نظام معنایی، ارزشها و هنجارهای (یا همان فرهنگ) موجود در یک جامعه تصور کرده اند (برونر، ۱۹۹۶، نقل در فاضلی، ۱۳۹۰). به همین دلیل است که هر فرهنگی، نظام آموزش و پرورش متناسب خود را تحقق می بخشد.

۲. تعریف فرهنگ، یادگیری، سبک یادگیری

۱.۲ فرهنگ Culture

در لغت نامه دهخدا در تعریف «فرهنگ» آمده است که این واژه مرکب از «فر» که پیشاوند است و «هنگ» که از ریشه «ئنگ» اوستائی به معنی کشیدن و فرهیختن و فرهنگ هر دو مطابق است با ریشه ادوکا وادور در لاتینی که به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است .

واژه Culture در زبان انگلیسی به معنای فرهنگ و مجازاً از مفهوم کشت و زرع گرفته شده است. اما این مفهوم در قرن هجدهم به معنی پرورش روانی و معنوی به کار برده شد و به عنوان عامل پیشرفت فکری - اجتماعی انسان و جامعه تلقی گردید (وٹوقی و نیک خلق، ۱۳۷۸: ۵۲). تایلور (۱۸۷۱) مردم شناس انگلیسی نخستین کسی بود که اصطلاح فرهنگ را مورد استفاده قرار داد. از دیدگاه او، فرهنگ مجموعه پیچیده ای شامل: دانشها، باورها، هنر، قوانین، اخلاق آداب و رسوم و دیگر قابلیتها و عاداتی است که انسان به عنوان عضو جامعه آنها را فرا میگیرد (رنجبر و ستوده، ۱۳۸۳: ۲۱) تایلور می گوید: فرهنگ به مجموعه ای آموخته شده از شناخت، باور، هنر، اخلاقیات، حقوق و عرف اشاره می کند، این تعریف به طور ضمنی فرهنگ و تمدن را یکی می داند (مارشال، ۱۳۸۸: ۲۴۹).

۲.۲ یادگیری (Learning)

ایجاد دانش، مهارت و نگرش جدید ناشی از تعامل فرد با اطلاعات و محیط از تعریف های یادگیری است. در رابطه با یادگیری و سبک های یادگیری می توان گفت: مردم عادی و بسیاری از معلمان، یادگیری را کسب اطلاعات، معلومات و مهارت ها می دانند. این مفهوم با آنچه عده کثیری از افراد درباره تعلیم و تربیت در ذهن دارند موافق است. در این نوع نگاه به یادگیری، معلم مسئول انتقال اطلاعات و مطالب درسی است و دانش آموز هم دریافت کننده این اطلاعات، در واقع معلم مسئول اصلی و محوری آموزش و دانش آموز به عنوان عنصری منفعل در نظر گرفته می شود.

جان دیویی معتقد است تعلیم و تربیت، دوبار ساختن یا تجدید نظر در تجربیات و تشکیل مجدد آنها به منظور رشد بیشتر است. به نظر او فرد در برخورد با محیط تجربیات تازه ای کسب میکند. یعنی با افکار، عقاید، عادات، تمایلات و اعمال تازه روبرو می شود، برای اینکه رشد او ادامه یابد و در مسیر تعالی قرار بگیرد (شریعتمداری، ۱۳۶۹: ۳۱۶-۳۱۵).

کیمبل معتقد است: یادگیری عبارت است از فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است و نمی توان آن را به حالت های موقتی بدن مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی یا داروها پدید می آید نسبت داد. تجربه مورد نظر ناشی از تأثیر و تأثر متقابل فرد با محیط است و منظور از محیط، عواملی است که خارج از فرد وجود دارد. (کیمبل، ۱۹۶۱) نقل در (شعاری نژاد، ۱۳۷۵)

۳.۲ سبک های یادگیری learning methods

این سبک ها بسیار متنوع و گوناگون هستند و از عوامل عمده موفقیت در امر تحصیل و یادگیری بشمار می آیند، تر تعریف آن می توان گفت: سبک یادگیری عبارتست از رفتارهای معین شناختی، عاطفی و روانی اجتماعی که به عنوان شاخصهای نسبتاً پایدار در زمینه نحوه ادراک، تعامل و واکنش نسبت به محیط یادگیری به کار می روند (Zoghi, 2010)

در بیانی دیگر می توان گفت: سبک یادگیری شامل ترکیب روش های شناختی، عاطفی و فیزیولوژیک است که بوسیله آنها افراد به بازیابی، سازماندهی، پردازش و یاد آوری اطلاعات می پردازند.

سبک های یادگیری افراد به راحتی آنها را قادر می نماید تا نقاط ضعف و قوت یادگیری شخصی خود را دریابند. مثلاً یک فرد واگرا (مبتکر) ممکن است در انجام کارهای خلاقانه موفق باشد ولی نیازمند ارتقای مهارت های تصمیم گیری خود است. ترجیحات سبک یادگیری افراد ممکن است تغییر نماید و لازم است نقاط ضعف و قوت یادگیری هر از چندگاهی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند. (Pusic and Leblanc and Miller, 2007)

۳. فرهنگ و سبک های یادگیری

به رغم گام های بلندی که در رابطه با اهمیت فرهنگ و ارتباط وثیق آن با یادگیری برداشته شده است کماکان می توان ادعا کرد که به طور شایسته و بایسته به این ارتباط پرداخته نشده است، شکی نیست که اصالت با فرهنگ و نظام معرفتی آن است که بر همه امور سایه افکنده است.

اهمیت پرداختن به یادگیری و عوامل موثر در آن امری اجتناب ناپذیر است و تداوم و گسترش موقعیت های تدریس و یادگیری مناسب برای هر کشور، مرتبط به راه و روشها و سبک های تدریس و یادگیری است که در میان فرهنگهای متفاوت وجود دارد. رابطه میان سبکهای تدریس و یادگیری و فرهنگها مدتهاست که مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است.

گروهی معتقدند سبکهای تدریس و یادگیری در مقابل محیط و فرهنگ خنثی هستند به گونه ای که هر یک از سبکهای تدریس و یادگیری را می توان بطور موفقیت آمیزی استفاده کرد اما اگر همان سبک به طور نامناسب و یا بسیار زیاد استفاده شود میتواند یک مانع باشد.

البته گروهی عقیده دارند اگر تصمیمات آموزشی بر اساس درکی از فرهنگ هر شخص و راههای یادگیری باشد هرگز به این فکر نمی کنیم که اعمال یکسان باید برای همه مؤثر و کارا باشد. در نتیجه فرصت عادلانه برای موفقیت، نیاز به روش های آموزشی نابرابر دارد که به تفاوت های مربوطه میان دانش آموزان پاسخ دهد.

در نقطه مقابل این دیدگاه، گروهی از محققان ترجیح میدهند بر روی اثر محیط تمرکز کنند. پیروان نظریه یادگیری تجربی (جان دیوئی، ویلیام جیمز، پائلو فریره و...) جزء طرفداران این دیدگاه هستند.

آنها بر این نکته تأکید میکند که سبک یادگیری، خصوصیتی روانشناختی نیست بلکه حالتی پویا است که نشأت گرفته از تعاملات همکوشی میان شخص و محیط است. ثبات و دوام این حالات پویا نه تنها بستگی به خصوصیات ژنتیکی افراد، بلکه به نیازهای محیطی که در آن هستند نیز دارد. شیوه پردازش تک تک وقایع تعیین کننده گزینش ها و تصمیمات ماست که به نوبه خود مشخص کننده وقایع آینده ای است که در آنها زندگی می کنیم محیطی که این فرایند خودسازی در آن رخ میدهد توسط تأثیر گسترده فرهنگ شکل میگیرد (کلب و جوی، ۲۰۰۹ نقل در آیتی و خوش دامن، ۱۳۹۱: ۴)

متمایز بودن نظام های آموزشی و تفاوت های فرهنگی در خرده فرهنگ ها و حتی درون مدرسه نیز وجود دارد، زیرا خرده فرهنگ های دانش آموزان یک کلاس با یکدیگر و با فرهنگ معلم در تقابل قرار میگیرند و در اثر این روابط، شرایطی پیش میآید که معمولاً به نفع تعداد اندک و به زیان اکثریت دانش آموزان است. به نظر جامعه شناسان آموزش و پرورش، آموزش از این نوع، تابع نظامی «تک فرهنگی» است که در آن به دلیل طراحی برنامه درسی بر مبنای خرده فرهنگی خاص، کلیه دانش آموزانی که به خرده فرهنگهای دیگر تعلق دارند و از الگوهای رفتاری متفاوتی پیروی می کنند، در موضع ضعف قرار می گیرند و شانس چندانی برای موفقیت در مدرسه و کلاس درس پیدا نمی کنند. یکی از راه های حل این مشکل، به کارگیری آموزش و برنامه درسی چندفرهنگی در نظام های آموزشی است (جوادی، ۱۳۷۹: ۹).

بنابراین طراحی برنامه های درسی حساس به فرهنگ و پاسخگو به ویژگی های چندفرهنگی از جمله رسالت های نظام آموزش و پرورش در این زمینه است (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۹۱)، زیرا اینگونه برنامه های درسی مفاهیم اساسی خود را از فرهنگ و اندیشه های غالب در هر جامعه میگیرند و در بستر فرهنگی و اجتماعی آنها به بار می نشینند (فاضلی، ۱۳۹۱: ۲۳) طبق رویکرد محاسباتی به آموزش و یادگیری، یادگیری همان پردازش اطلاعات در ذهن است. در حالی که در رویکرد فرهنگی، مناسبات فرهنگی هر جامعه و به قول برونر داستانهای فرهنگی، زمینه تفسیر و فهم پیچیدگی های جامعه را فراهم میکنند و موجب یادگیری میشوند. بر خلاف رویکرد محاسبه گرایی که عملکرد ذهن را پردازش داده ها و اطلاعات می بیند، رویکرد فرهنگی عملکرد ذهن را فرایند معنا سازی میدانند. در این دیدگاه ذهن، جهان خارج و موقعیت ها را به درون خود می کشد و آنها را تفسیر میکند و بیرون میدهد. اما از دیدگاه محاسبه گرایی ذهن روند معکوس دارد زیرا ذهن اطلاعات را پردازش می کند و از درون خود بیرون میدهد (فاضلی، ۱۳۹۱: ۳۹).

دیدگاهی که برونر انتخاب و به نحو دقیق به تشریح آن می پردازد، فرهنگ گرایی است. زیرا رویکردها و روشهای آموزشی و تربیتی بدون توجه به موقعیت فرهنگی و اجتماعی در عمل ناکارآمدی هایی را برای نظام آموزشی به بار می آورد. (آیتی و خوش دامن، ۱۳۹۱: ۶)

یادگیری سریع از استحکام چندانی برخوردار نخواهد بود و رفتار پایدار مستلزم کسب مهارتهای لازم است که در اثر سالها تکرار و تجربه بدست می آید اما زمانی که باورها و نگرشها نسبت به مقوله یاددهی - یادگیری در بستر جامعه ایران مورد بررسی قرار می گیرد یادگیری مفهوم و معنای دیگری می یابد بدین صورت که، یادگیری یعنی انتقال اطلاعات از سوی معلم به دانش آموز آن هم به صورت شفاهی. (سرکارآرانی، ۱۳۸۹: ۵۶)

در رابطه با بررسی سبک های یادگیری می توان اذعان داشت که در مسئله بررسی تفاوت های میان فرهنگی در شیوه های یادگیری و برنامه های یادگیری میان فرهنگی، محققان فرهنگی در پژوهش هایشان به تأثیر فرهنگ بر سبک های یادگیری تأکید و تصریح داشته اند.

۴. نتیجه

فرهنگ بی تردید در عرصه تعلیم و تربیت و یادگیری وسبک های آن، منجر به این گردید که برنامه های درسی نه تنها از منظر عناصر آن (هدف، محتوی، روش و ارزشیابی) بلکه به صورت مجموعه ای از پویایی های درهم تنیده در نظر گرفته شود. بر این اساس است که از دیدگاه برونر، فرهنگ آینه توصیف و تفسیر برنامه درسی است و برنامه های درسی و کلاسهای درس همیشه منعکس کننده مجموعه ای از برنامه های آشکار و ارزشهای فرهنگی است.

شناخت سبک یادگیری یکی از مولفه های اصلی برای بهبود فرآیند یادگیری محسوب می شود. با توجه به اینکه سبک های یادگیری رجحانی نسبت به یکدیگر ندارند فرد می تواند نقاط ضعف و قوت خود را بر اساس سبک یادگیری مورد ترجیح خود شناخته و نسبت به رفع یا تقویت آنها اقدام نماید. آگاهی از سبک تدریس و یادگیری می تواند توانایی آموزشگران و مربیان را در جهت برآورده نمودن نیازهای یادگیری فراگیران افزایش داده و امکان استفاده از راهبردهای آموزشی مطلوب و ارزشیابی بهتر از عملکرد آموزشی را فراهم سازد. سبک های یادگیری و تدریس که سازگار و هماهنگ باشند می توانند موجب بهبود استفاده موثر از زمان، منابع و ظرفیتهای موجود آموزشی گردیده و تجارب آموزشی پر بازده و لذت بخشی را برای معلم و متعلم ایجاد کنند.

معلمان و دانش آموزان با باورها، علایق و انگیزه های متفاوتی به کلاس درس می آیند. باورها و انگیزه های آنان در فرایند آموزش و یادگیری تأثیر شگرفی دارند و فعالیتهای آموزشی کلاس درس را تا حدود زیادی تحت تأثیر خود قرار می دهند. برای مثال این که دانش آموزان با چه پیش فرضهایی به کلاس درس می آیند و معلم توانایی های دانش آموزان را در فهم مسئله چگونه ارزیابی می کنند، پاسخ این سؤالا در فعالیتهای آموزشی معلم در کلاس درس تأثیر زیادی دارد.

فهم برنامه های درسی، چیزی بیش از درک ترکیبی از فعالیتهای و تعاملات می طلبد. هنگامی که افراد، گروه ها و اجتماعات دست به انتخاب برنامه های درسی میزنند، باید دیدگاهها و نظام های فکری را که در پس هنجارهای کلاس درس وجود دارد،

دریابند و بر اساس آن نسبت به طراحی برنامه درسی اقدام نمایند. همین امر فهم برنامه درسی را فراتر از سند مکتوب میسر می‌سازد و به درک عمیق‌تری از برنامه درسی و لایه‌های مختلف آن از جمله برنامه درسی پنهان کمک می‌کند. از این رو طراحی برنامه درسی با عنایت به ارزشها و هنجارهای منتسب به اشخاص هم به عنوان یک شخص منحصر به فرد و هم به عنوان عضو اجتماع ضروری می‌نماید. انتخاب روش یا مجموعه فعالیتهای یاددهی یادگیری بر این اساس می‌بایست با توجه کامل به ملاحظات فرهنگی انجام شود و در این راستا یافته‌های پژوهشی میتواند بسیار راهگشا باشد ولذا ضروری است با توجه به اهمیت سبکهای یادگیری و تدریس، استفاده از روشهای تدریس مبتنی بر فرهنگ مورد توجه بیشتری قرار گیرد. از آنجایی که معلم کارگزار اصلی تعلیم و تربیت به شمار میرود و اهداف و معنویات متعالی نظام آموزشی در ابعاد مختلف، در نهایت باید به واسطه او محقق شود و نیز اهمیت بخش اجرا در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه های درسی، متناسب با مؤلفه های آموزش مبتنی بر فرهنگ، برگزاری کلاس هایی در رابطه با آموزش این موارد لازم بنظر می رسد.

۵. مراجع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آیتی؛ محسن و خوش دامن؛ صدیقه (۱۳۹۱) فرهنگ، برنامه درسی و سبک های تدریس و یادگیری، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال هفتم، شماره ۲۶.
- ۳- جوادی، محمدجعفر (۱۳۷۹) آموزش چند فرهنگی به مثابه رویکردی در آموزش. فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۶۳، ۲۶-۹
- ۴- خنیفر، حسین. (۱۳۸۱). نگاهی دوباره به روش ها و فنون تدریس. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معین وسید جعفر شهیدی. تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۶- رنجبر؛ محمود و ستوده؛ هدایت الله (۱۳۸۳) مردم شناسی با تکیه بر فرهنگ مردم ایران. تهران: ندای آریانا
- ۷- سرکارآرانی، محمدرضا (۱۳۸۹) گفت وگوف رویکرد فرهنگی به آموزش، مجله رشد معلم، مهر ۱۳۸۹، ش ۲۵۰، ۲۹-۴.
- ۸- سیف، علی اکبر. (۱۳۷۵). اندازه گیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی. انتشارات آگاه.
- ۹- شریعتمداری، علی (۱۳۶۹). روان شناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۵) ، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر
- ۱۱- صادقی، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد آموزش چندفرهنگی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۵ (۱۸). ۱۹۰-۲۴۵.
- ۱۲- فاضلی، نعمت الله، (۱۳۹۱) مردم نگاری آموزش. تهران: انتشارات علمی.
- ۱۳- محسنی، منوچهر(۱۳۸۸). جامعه شناسی عمومی. تهران: طهوری
- ۱۴- وثوقی؛ منصور و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۸). مبانی جامعه شناسی. تهران: بهینه.

15- Dobson JL. Learning style preferences and course performance in an undergraduate physiology class. *AdvPhysiol Educ.* 2009 Dec;33(4):308-14.

16- Pusic MV, Leblanc VR, Miller SZ. Linear versus web-style layout of computer tutorials for medical student learning of radiograph interpretation. *AcadRadiol.* 2007 Jul;14(7):877-89.

17- Zoghi M, Brown T, Williams B, Roller L, Jaberzadeh S, Palermo C, et al. Learning style preferences of Australian health science students. *J Allied Health.* 2010 Summer;39(2):95-103.